



حکمرانی مطلوب و حقوق بنیادین و بشری زندانی در پرتو اسناد بین‌المللی

علی خویشوند

دانشجوی دکتری، گروه حقوق عمومی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

alikhishvand.1399@jmail.com

حجت‌اله ابراهیمیان

گروه حقوق عمومی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول).

hojjat49@gmail.com

محمدرضا حکاک‌زاده

گروه حقوق عمومی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

mrhakak@yahoo.com

چکیده

ظهور جرم و تلاش انسان برای کنترل آن، به تاسیس زندان انجامید. در گذر زمان نحوه رفتار با فرد زندانی به عنوان مسئله بسیار مهم مورد توجه نظام‌های حقوقی مختلف قرار گرفت. در نتیجه امروزه در قوانین داخلی همه کشورها، قوانینی تحت عنوان حقوق بنیادین زندانی وجود دارد. با انقلاب ارتباطات توجه جهانی به حقوق بنیادین و بشری زندانی افزایش یافت و اداره امور جامعه از حکومت به حکمرانی تغییر معنا و مفهوم یافت و اراده‌ای بین‌المللی برای رعایت آن در حال شکل‌گیری است. مسئله پژوهش حاضر ترسیم حقوق بنیادین و بشری زندانی از منظر اسناد بین‌المللی است. بدین منظور اسناد عام و خاص بین‌المللی مورد بازخوانی قرار گرفته و حکمرانی مطلوب که شکل آرمانی حکمرانی در اداره و مدیریت منابع و امور عمومی جامعه و رعایت حقوق بشر از جمله حقوق بشری زندانی است مورد بررسی قرار گرفته است. دستاورد پژوهش آن است که توجه به اسناد عام و خاص بین‌المللی موجب می‌شود، قوانین داخلی منطبق با قوانین بین‌المللی در دستور کار قرار گیرد، تا سازواری اجرایی بیشتری در حقوق زندانی بدست آید. همچنین حکمرانی مطلوب بر اصول اخلاقی چون منزلت انسانی، برادری و مساوات، عدالت، عدم تبعیض — و در کل رعایت اصول حقوق بشر به ویژه حقوق بنیادین و بشری زندانی استوار است — موجب افزایش مشروعیت داخلی و بین‌المللی نظام سیاسی می‌شود.

واژگان کلیدی: حکمرانی مطلوب، حقوق بنیادین، زندانی، حقوق بشر، اسناد بین‌المللی.



مقدمه

حکمرانی مطلوب که شکل آرمانی حکمرانی در اداره و مدیریت منابع و امور عمومی جامعه و رعایت حقوق بشر از جمله حقوق بشری زندانی است. زندان به عنوان واقعیتهای اجتماعی و غیرقابل انکار، در زمره نهادهای اجتماعی پذیرفته شده قلمداد می شود که چشم پوشی و حذف آن از نظام عدالت کیفری ناممکن می نمایند. از سویی، زندانی هم در جایگاه انسان و عضوی از جامعه، حقوقی را داراست که مراجع قانونی اعم از داخلی و بین المللی، علی رغم اختلاف دیدگاه ها، چاره ای جز به رسمیت شناختن و تلاش و اهتمام کامل در تحقق این حقوق را ندارند. از این رو و در راستای تحقق حقوق انسانی فرد زندانی به ویژه پس از پیدایش حقوق بشر در دوران معاصر، قواعد و مقرراتی در قالب اسناد جهانی و منطقه ای به تصویب رسیده، راهکارهای نظارتی گوناگونی هم برای قواعد مزبور اندیشیده شده است. با انقلاب ارتباطات توجه جهانی به حقوق بنیادین و بشری زندانی افزایش یافت و اداره امور جامعه از حکومت به حکمرانی تغییر معنا و مفهوم یافت و اراده ای بین المللی برای رعایت آن در حال شکل گیری است. در پژوهش حاضر ضمن بررسی اسناد عام و خاص بین المللی تلاش می شود تا نشان داده شود که اسناد بین المللی مرتبط با حقوق زندانی بر اساس چه الگویی قابل دسته بندی است و کنشگری نظیر جمهوری اسلامی ایران چگونه می تواند از این اسناد بهره مند شده و یا در صورت لزوم تغییرات و یا پیشنهادهای لازم برای افزایش حقوق زندانی بر اساس ایده های خود ارائه نماید. دستاورد پژوهش آن است که توجه به اسناد عام و خاص بین المللی موجب می شود، قوانین داخلی منطبق با قوانین بین المللی در دستور کار قرار گیرد، تا سازواری اجرایی بیشتری در حقوق زندانی بدست آید. حکمرانی مطلوب بر اصول اخلاقی چون منزلت انسانی، برادری و مساوات، عدالت، عدم تبعیض و در کل رعایت اصول حقوق بشر به ویژه حقوق بنیادین و بشری زندانی استوار است و موجب افزایش مشروعیت داخلی و بین المللی نظام سیاسی می شود.

پژوهش حاضر از نظر هدف، در زمره پژوهش های «کاربردی» قرار می گیرد و با توجه به ماهیت موضوع که نیازمند تحلیل اسناد حقوقی و مفاهیم نظری است، از روش «توصیفی-تحلیلی» استفاده می کند. این روش به پژوهشگر اجازه می دهد تا ضمن توصیف مؤلفه های حکمرانی مطلوب، به تبیین دقیق جایگاه حقوق بشری زندانیان در اسناد بین المللی پرداخته و رابطه میان این دو متغیر را واکاوی نماید. از منظر گردآوری داده ها، این پژوهش متکی بر روش «کتابخانه ای» است. اطلاعات مورد نیاز از طریق فیش برداری و مطالعه نظام مند منابع معتبر، شامل کتب حقوقی، مقالات علمی-پژوهشی، گزارش های نهادهای بین المللی (مانند گزارش های UNODC)، و اسناد بالادستی (مانند قواعد نلسون ماندلا و کنوانسیون های حقوق بشر) گردآوری شده است. در فرآیند تجزیه و تحلیل داده ها، از رویکرد «کیفی» استفاده شده است. بدین منظور، ابتدا مبانی نظری حکمرانی مطلوب (مبتنی بر مؤلفه هایی همچون حاکمیت قانون، پاسخگویی، و شفافیت) استخراج و تدوین گردید. سپس، این مؤلفه ها به عنوان «چارچوب تحلیلی» در تقابل با متون حقوقی و استانداردهای بین المللی مرتبط با رفتار با زندانیان قرار گرفتند تا «شکاف های حقوقی» (Research Gaps) در نظام زندانبانی مشخص شود. در نهایت، با استفاده از استدلال حقوقی و تفسیر هنجارها، تلاش شده است تا الگوی مطلوب مدیریتی که متضمن صیانت از حقوق بنیادین زندانیان باشد، ترسیم گردد. این پژوهش با پرهیز از جهت گیری های سوگیرانه، سعی دارد با نگاهی تطبیقی، اسناد بین المللی را به مثابه معیاری برای ارزیابی وضعیت موجود در نظام کیفری مورد نقد قرار دهد و راهکارهای ارتقای حکمرانی در محیط های بازداشتی را پیشنهاد نماید.

در ادامه ابتدا به پیشینه بحث پرداخته می شود، سپس چارچوب نظری مقاله (حکمرانی مطلوب) و چگونگی کاربست آن در پژوهش شرح داده می شود. درگام بعد اسناد در دو دسته عام و خاص بین المللی ارائه شده و در نهایت و در جمع بندی تحلیل نهایی ارائه می شود.



۱. پیشینه پژوهش

ارتباط میان مسائل حقوقی که ناظر به اشخاص است و به اصطلاح جزئی‌ترین و خردترین اجزاء یک جامعه را تشکیل می‌دهد، با عالی‌ترین سطح آن یعنی حکمرانی که در کلان‌ترین و وسیع‌ترین حالت ممکن قابل تصور است از اهمیت بسیار خاصی برخوردار است، اما پژوهشی که بالاستقلال و منحصر به آن پرداخته باشد در بررسی دیده نشده است. بررسی آثار نگاشته شده در مسئله پژوهش نشان می‌دهد، که بر استخراج پیشینه برای چنین بحثی، ضروری است که آثار نزدیک به آن استخراج شود. به عنوان مثال ولی رستمی و خیر الله پروین (۱۳۹۰) در مطالعات مربوط به حقوق اداری و نهادهای ناظر بر حسن اجرای قوانین، به بررسی جایگاه نظارت قضایی و اداری بر عملکرد سازمان‌های عمومی و محیط‌های بسته پرداخته‌اند. این پژوهشگران نشان می‌دهند که بدون استقرار یک سازوکار نظارتی کارآمد، مستقل و شفاف، تضمین حقوق شهروندی و ممانعت از سوءاستفاده از قدرت در بازداشتگاه‌ها و زندان‌ها ناممکن خواهد بود. این پژوهش را می‌توان نزدیک‌ترین پژوهش به مسئله این نوشتار دانست. سیدمحمد قاری سیدفاطمی (۱۳۸۸) در اثر مبنایی خود در حوزه حقوق بشر معاصر و کرامت انسانی، با تأکید بر جهان‌شمولی حقوق بنیادین، تبیین می‌کند که سلب آزادی تن به موجب حکم قضایی، هرگز به معنای زوال یا تعلیق شخصیت حقوقی و کرامت ذاتی فرد نیست. وی استدلال می‌کند که تعهدات دولت‌ها در رعایت ممنوعیت رفتارهای ترذیلی، غیرانسانی و تحقیرآمیز، از زمره تعهدات مطلق و غیرقابل تعلیق (Non-derogable) در نظام‌های حقوق بشری است. طبعاً چنین سازوکارها و ایجاد چنین مفاهیمی می‌بایست در ساحت کلان صورت گیرد و در ساحت جزئی و خرد اجرا شود. همچنین دکتر حسین آقایی جنت‌مکان (۱۳۹۱) با تمرکز بر حقوق متهمان و محکومان در حقوق کیفری بین‌المللی و اسناد جهانی، شکاف موجود میان هنجارگذاری‌های تقنینی و واقعیت‌های اجرایی درون زندان‌ها را مورد موشکافی قرار می‌دهد. یافته‌های وی حاکی از آن است که بهبود وضعیت زیستی و حقوقی زندانیان نیازمند انطباق دقیق آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی زندان‌ها با استانداردهای حداقلی بین‌المللی است. مرور پیشینه نشان می‌دهد که اگرچه پژوهش‌های پیشین، مفاهیم «حکمرانی مطلوب» را در سطح نظریات اداری-سیاسی و «حقوق زندانیان» را صرفاً در چارچوب حقوق کیفری توصیفی یا جرم‌شناختی بررسی کرده‌اند، اما کمتر پژوهشی به پیوند مفهومی و ساختاری شاخص‌های حکمرانی مطلوب (نظیر شفافیت، پاسخگویی، حاکمیت قانون، اثربخشی و عدم تبعیض) با تضمین‌های عینی حقوق بنیادین زندانیان در پرتو تحولات نوین اسناد بین‌المللی پرداخته است. پژوهش حاضر درصدد است تا این شکاف مطالعاتی را با رویکردی تحلیلی-انتقادی پوشش داده و الگویی نظام‌مند برای ارزیابی عملکرد نظام‌های زندانبانی بر مبنای مؤلفه‌های حکمرانی حقوق‌بشری ارائه نماید.

۲. حکمرانی مطلوب

مفهوم حکمرانی مطلوب (Good Governance) در ادبیات حقوق عمومی و روابط بین‌الملل، فراتر از مدیریت اداری صرف، ناظر بر نحوه اعمال قدرت و تعامل نهادهای حاکمیتی با آحاد جامعه است. این پارادایم که نخستین بار توسط سازمان‌های بین‌المللی برای بهبود کیفیت خدمات عمومی مطرح شد، بر مؤلفه‌هایی همچون حاکمیت قانون، پاسخگویی، شفافیت، عدالت و رعایت حقوق بنیادین استوار است. اصطلاح حکمرانی مطلوب در سال ۱۹۸۹ برای اولین بار توسط بانک جهانی مورد استفاده قرار گرفت. مسئله اصلی در حکمرانی مطلوب بهبود کیفیت عملکرد دولت در حوزه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، قضایی، فرهنگی و... می‌باشد. در رویکرد حکمرانی مطلوب با هدف سامان دادن به امور جامعه و توسعه



کارآمد جامعه، مفاهیمی چون برابری، شفافیت، پاسخ‌گویی و عدالت اجتماعی مورد عنایت قرار گرفته است (میدری، ۱۳۸۵: ۲۷۰) از نظر بانک جهانی حکمرانی در معنای مطلوب آن، مستلزم وجود یک سیاستگذاری شفاف و آزادانه، یک دیوانسالاری توانمند با اخلاق حرفه‌ای، یک قوه مجریه پاسخگو و یک جامعه مدنی پویا و مشارکت‌کننده در امور عمومی است که فعالیت همگی این موارد در چارچوب حاکمیت قانون امکان‌پذیر خواهد بود. (The World Bank's Experience)

با توجه به تعریف بانک جهانی حکمرانی مطلوب دارای ۷ اصل است که به اختصار به آنها اشاره می‌شود:

نخست اصل شفافیت: شفافیت به جریان آزاد اطلاعات و توانایی دسترسی راحت به آن برای همه تعریف شده است. دوم **اصل پاسخگویی:** به معنای پاسخگو بودن همه نهادها و سازمانها... در چارچوب قانون و زمان مشخص در مقابل ارباب رجوع است. سوم مسئولیت‌پذیری: این اصل به این معنا است که در کنار موسسات و نهادهای حاکمیتی، همه نهادهای خصوصی و مدنی ضروری است که در مقابل اقدامات خود مسئولیت‌پذیر باشند. چهارم حاکمیت قانون: وجود قانونمندی و چارچوب‌های قانونی عادلانه لازمه حکمرانی مطلوب است. قانونی که شهروندان و حقوق‌آنان باشد. براین اساس همه شهروندان به ویژه مسئولین از قانون تبعیت میکنند و مسئول اعمال خود هستند. پنجم **مشارکت:** این اصل به معنای حضور همه مردم چه به صورت مستقیم و چه غیر مستقیم در تصمیم‌گیریهایی مختلف است؛ که لازمه آن وجود آزادی بیان و نهادهای مدنی و رسانه‌های آزاد است. ششم **برابری طلبی و فراگیر بودن:** این اصل به این معنا است که رفاه هر جامعه در گروه این است که همه اعضای جامعه احساس کنند که در آن سهم دارند. بنابراین همه گروه‌های جامعه برای رسیدن به رفاه موقعیتهایی داشته باشند. هفتم کارایی و اثر بخشی: در حکمرانی مطلوب فرآیندها و موسسات موجود با استفاده بهینه از منابعی که در اختیار دارند نیازهای جامعه را پاسخ میدهند. مولفه‌های کارآمدی عبارتند از: ارائه خدمات عمومی به آسانی و باکیفیت، نظام اداری باکیفیت، شایسته‌سالاری مدیران و کارگزاران و غیره (UNDP 1997)

در بستر «نظام زندانبانی»، حکمرانی مطلوب به معنای گذار از رویکردهای صرفاً «امنیتی و سرکوب‌گرانه» به سمت رویکردهای «حقوق‌مدار و توان‌بخش» است. اعمال حکمرانی مطلوب در زندان‌ها بدین معناست که سلب آزادی شهروندان نباید منجر به سلب «کرامت ذاتی» و حقوق بنیادین آنها شود. در این چارچوب، زندان نه به عنوان جزیره‌ای خارج از نظارت قانونی، بلکه به عنوان یک نهاد عمومی تحت نظارت مستمر معرفی می‌شود در سطح اسناد بین‌المللی، «قواعد حداقل استاندارد سازمان ملل متحد برای رفتار با زندانیان» (موسوم به قواعد نلسون ماندلا)، تجلی عینی حکمرانی مطلوب در حوزه زندانبانی است. این سند با تأکید بر اینکه «زندانی نباید به دلیل وضعیت خود از حقوق انسانی محروم شود»، بر دولت‌ها تکلیف می‌کند تا حکمرانی در زندان‌ها را نه بر پایه مجازات مضاعف، بلکه بر پایه «اصلاح و بازاجتماعی‌شدن» استوار سازند. بنابراین، تحقق حکمرانی مطلوب در زندان، پیش‌شرط اجتناب‌ناپذیر برای رعایت حقوق بنیادین بشر است..

۳. اسناد عام بین‌المللی ناظر بر حقوق زندانی

تفکرات حقوقی، سیاسی و اجتماعی پیرامون حقوق بشر در باب اذعان به بهره‌مندی انسان از بعضی حقاها فارغ از جایگاه طبقه اجتماعی، ثروت، دین و مذهب، نژاد، تابعیت، و سایر تمایزات انسانی و همچنین مجادلات بسیار راجع به سرچشمه‌ی این حقاها و تشریح و تبیین آن، که در طول قرن‌های متمادی در اندیشه دانشمندان حقوق و فلسفه رخنه کرده بود و همین‌طور با دیدن ددمنشی‌های احزاب نازی و فاشیست عاملی برای توجه به کرامت ذاتی بشر و گسترش حقوق بشر بین‌المللی گردیده (عبادی، ۱۳۸۳: ۱۷)، در پی این بذل توجه، سندهای جهانشمول حقوقی با گرایش‌های حقوق بشری در صحنه بین‌المللی به منصفه‌ی ظهور نشستند.



۲-۱- اعلامیه حقوق بشر

اعلامیه حقوق بشر مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد طی قطعنامه شماره ۲۱۷۸ دهم دسامبر ۱۹۴۸ میلادی برابر با ۱۹ آذر ۱۳۲۷ خورشیدی، نخستین اعلامیه‌ی فراگیر حقوق بشری است که علیرغم ذات غیر الزام‌آور بودن قطعنامه، به سرعت جایگاه سیاسی و معنوی ممتازی را تحصیل نموده است. (مهرپور، ۱۳۷۷: ۴۴) محتوای اعلامیه حقوق بشر که مشتمل بر: «دو دسته حقوق مدنی سیاسی و اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» است، اگرچه همه انسانها از جمله افراد زندانی را در کف حمایت خود قرار داد، اما برخی مواد آن به نحو بارزتری به حقوق زندانیان اشاره دارد که از این قرارند: «حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی (ماده ۳)، ممنوعیت شکنجه و رفتار خشن، غیرانسانی و تحقیرکننده (ماده ۵)، منع توقیف و بازداشت یا تبعید خودسرانه (ماده ۹)، آزادی عقیده، بیان، مذهب و تغییر مذهب (ماده ۱۸)، تأمین اجتماعی فرد، حق کار و حمایت فرد در برابر بیکاری، مزد مساوی در برابر کار مساوی (ماده ۲۳)، حق استراحت، تفریح و محدودیت ساعت کار (ماده ۲۴)، حق آموزش و پرورش (ماده ۲۶) و اما از میان حقوق مورد اشاره در اعلامیه، حق حیات است. (آلتن، ۱۳۸۵: ۶۹) یکی دیگر از حقوق بنیادین بشر حق کرامت انسان است به نحوی که کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، بر مبنای حمایت از کرامت انسانی در مورد زندانیان به وجود آمده است. (سید فاطمی، ۱۳۸۴: ۴۹) علاوه بر این منشور، حقوق بنیادین اتحادیه اروپا با برشمردن حقوق بنیادین انسانی تحت عنوان کرامت، نخست با کرامت شخص انسان به طور عام و شخص زندانی به طور خاص (ماده ۱) آغاز نموده، آنگاه به حقوقی همچون حق حیات (ماده ۲)، حق تمامیت فردی (ماده ۳)، ممنوعیت شکنجه، مجازات‌ها و رفتارهای غیرانسانی یا تحقیرآمیز (ماده ۴) پرداخته و سرانجام به منع بردگی و کار اجباری (ماده ۵) منتهی می‌نماید. کرامت انسانی در منشور فوق به سبب آن که تنها موضوع مطروحه بوده و به حقوق دیگر که می‌توانند موضع مطلق آن‌ها را تضعیف نماید، وابسته نیست. (Hein van Kempen, ۲۰۰۷: ۱۳۹)

۲-۲- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

سازمان ملل کمیسیون حقوق بشر را مأمور تهیه پیش‌نویس میثاق حقوق بشر و پیش‌نویس اقدامات اجرایی آن، نمود، در پی آن میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ همراه با میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید. این میثاق که مشتمل بر یک مقدمه و ۵۳ ماده است، علاوه بر آن که در مقدمه چنین آمده است که «دولت‌های طرف این میثاق با توجه به این که بر طبق اصولی که در منشور ملل متحد اعلام گردیده، شناسایی حیثیت ذاتی و حقوق یکسان و غیرقابل انتقال کلیه اعضای خانواده بشر مبنای آزادی، عدالت و صلح در جهان است و با اذعان به این که حقوق مذکور ناشی از حیثیت ذاتی شخص انسان می‌باشد و بر طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر کمال مطلوب انسان آزاد رهایی یافته از ترس و فقر، فقط در صورتی حاصل می‌شود که شرایط تمتع هر کس از حقوق مدنی و سیاسی و... ایجاد شود و با توجه به این که دولت‌ها بر طبق منشور ملل متحد به ترویج احترام جهانی و مؤثر بر رعایت حقوق و آزادی‌های بشر ملزم هستند و با در نظر گرفتن این حقیقت که هر فرد نسبت به افراد دیگر و نیز نسبت به اجتماعی که بدان تعلق دارد، عهده‌دار وظایفی است و مکلف است که در ترویج و رعایت حقوق شناخته شده به موجب این میثاق اهتمام نماید، با مواد این میثاق موافقت دارند.»؛ بند ۱ ماده ۲ میثاق نیز مقرر می‌دارد «دولت‌های طرف این میثاق متعهد می‌شوند که حقوق شناخته شده در این میثاق را درباره کلیه افراد مقیم در قلمرو و حاکمیتشان بدون هیچ گونه تمایز از قبیل نژاد، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا عقیده دیگر، اصل و منشأ ملی یا اجتماعی، ثروت، نسب یا سایر وضعیت‌ها محترم شمرده و تضمین کنند.» و اما مواد ناظر بر حق‌های ویژه زندانیان در میثاق از این قرارند: «منع شکنجه و رفتارهای سخت، غیرانسانی یا



تحقیرکننده، منع آزمایش‌های پزشکی یا علمی بر روی شخص بدون رضایت آزادانه وی (ماده ۷)، اجازه کار به زندانیان یا محکومین (ماده ۸)، رعایت احترام به مقام و شأن شخص انسانی حتی به‌هنگام سلب آزادی که خود مستلزم رژیم زندان مناسب برای محکومین است (ماده ۱۰)، رژیم ویژه برای بزه‌کاران جوان و رژیم حبس که شامل برنامه اصلاح محکومین، با هدف اساسی بهسازی و سازگاری مجدد اجتماعی آنهاست (ماده ۱۰)، حق جبران خسارت در مورد بازداشت غیرقانونی (بند ۵ ماده ۹)، تسریع در محاکمه فرد بازداشت شده (بند ۳ ماده ۹) و...» (خویشوند، ۱۳۸۴: ۶۵)

همچون اعلامیه جهانی حقوق بشر، بذل توجه ویژه به حق حیات در پروتکل‌های میثاق به‌ویژه پروتکل دوم بدان جهت است که: «حق حیات از سوی کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد با عنوان حق برتر شناخته شده و به‌منزله هسته تحلیل ناپذیر حقوق بشر از آن نام برده شده است. علاوه بر آن به‌منظور حمایت از حق حیات، قتل و نابودی را در صورتی که به‌عنوان بخشی از حمله‌ی گسترده یا نمادین علیه هر یک از افراد غیرنظامی باشد، به‌عنوان جنایت علیه بشریت قلمداد نموده است. علاوه بر این مرتکبین کشتار دسته‌جمعی (ژنوساید) که هدف از آن کشتار نظام‌مند یک گروه نژادی یا مذهبی بوده و ایجادکننده هولناک‌ترین نقض حق حیات است، مورد پیگرد کیفری فردی اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی قرار می‌گیرند.» (بقایی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۴۸) با انقلاب تکنولوژی و ارتباطات عرصه درونی کشورها و دولت در سطح بین‌المللی دیده شد. شنیده شدن صدای گروه‌هایی که در داخل کشورها مورد ظلم حکومت قرار می‌گرفتند موجب گسترش جهانی حقوق بنیادین و حقوق بشر شد تا حکومت را مجبور به رعایت این حقوق به ویژه در خصوص افرادی که دچار بزه در جامعه شدند و زندانی هستند کند. و درواقع حکومت به حکمرانی تغییر ماهیت یافت و مشروعیت و مقبولیت حکومت منوط به رعایت این حقوق شده است.

۳-۲- میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

روند تنظیم و تصویب میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز همانند میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و همزمان با آن از طریق کمیسیون حقوق بشر و با درخواست مجمع عمومی سازمان ملل در قالب ۱ مقدمه و ۳۱ ماده به تصویب مجمع عمومی رسیده است. حقوق به رسمیت شناخته شده در این میثاق که مشتمل هستند بر: «حق کار، برخورداری از شرایط عادلانه و مناسب کار، تأمین اجتماعی از جمله بیمه اجتماعی، حمایت از خانواده و برخورداری از یک زندگی در سطح متناسب، برخورداری از سطح متناسبی از حمایت جسمی و روانی، آموزش برای همه، شرکت در زندگی فرهنگی و... همگی در مسیر تأمین حقوق زندانیان به کار خواهند آمد.» (خویشوند، ۱۳۸۴: ۶۳) تأمین این حقوق به عنوان حداقل‌های حقوق شهروندی در حکمرانی مطلوب است. نظام‌های سیاسی برای جلب رضایتمندی عمومی و افزایش مشروعیت داخلی و خارجی خود ملزم به تأمین حقوق شهروندی مردم هستند.

اگرچه قواعد طبقه‌بندی شده در این میثاق موسوم به نسل دوم حقوق بشر از نظر قانون‌گذاری و کدگذاری همزمان با قواعد موجود در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی یا همان نسل اول حقوق بشر پدیدار گشته‌اند، اما شناسایی آن‌ها به‌لحاظ فکری و تئوریک متعاقب حقوق نسل اول بوده، و دلیل آن هم دگرگونی شرایط جهانی است که با ادوار پیشین متمایز می‌نمود. بدین گونه که پیدایش ائتلاف‌های پس از جنگ جهانی دوم و وقوع جنگ سرد و دسته‌بندی کشورهای جهان، موجب شد تا عده‌ای از کشورها در زیر چتر حمایتی اتحاد جماهیر شوروی به حمایت از انواع حقوق برابری تحت عنوان حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پرداخته است. (ذاکریان، ۱۳۸۳: ۲۲۳)

۴-۲- کنوانسیون منع شکنجه و رفتار یا مجازات خشن، غیرانسانی یا تحقیرکننده



شکنجه که از سوی اندیشمندان مبتنی است بر مفهوم: «درد شدید به جسم یا روان، برای تنبیه یا گرفتن اعتراف یا اطلاعات یا لذت از زجر دیگری (گارنر ۱۵۲۸: ۲۰۰۴)، در فرانسه قبل از انقلاب ۱۷۸۹ و بسیاری از کشورهای اروپایی به تدریج در قرون هجدهم و نوزدهم، از لحاظ قانونی لغو گردیده بود.» (آشوری، ۱۳۸۷: ۷۸) و اما «پس از آن که در اعلامیه جهانی حقوق بشر (ماده ۵) و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ماده ۷) شکنجه ممنوع اعلام شد و سپس در ۹ دسامبر ۱۹۷۵ طی قطعنامه‌ی شماره ۱۳۴۵۲، مجمع عمومی اعلامیه حمایت از افراد انسانی در مقابل شکنجه و دیگر رفتارها و مجازات‌های خشن، غیرانسانی و تحقیرکننده را تصویب نمود، سرانجام کنوانسیون منع شکنجه و رفتار و مجازات ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرکننده در قالب یک مقدمه و ۳۳ ماده در ۱۹۸۴ م تصویب شد که ضمن بیان تعهدات دولتهای عضو و مکانیزم اجرای آن، مفهوم شکنجه و دیگر اعمال غیرانسانی تبیین و تشریح گردیده است.» (مهرپور، ۱۳۷۷: ۵۶) در حکمرانی مطلوب شکنجه کردن به هر هدفی اعم از گرفتن اطلاعات، یا اقرار یا تنبیه فرد مظنون مطرود است و به ویژه که معمولاً با تهدید و ارباب همراه است. از مواد کنوانسیون می‌توان به بررسی و بازبینی هدفمند و منظم طرق مربوط به بازرسی زندان و رفتار با فرد زندانی (ماده ۱۱)، تعلیم موضوعات مربوط به منع شکنجه به متولیان زندان‌ها و دادگستری‌ها (ماده ۱۰)، تکلیف دولت‌ها به تحت تعقیب و محاکمه قرار دادن مرتکبان عمل شکنجه (ماده ۵)، ایجاد امکانات مطرح نمودن شکایات قربانیان عمل شکنجه (ماده ۶)، رسیدگی به شکایات قربانیان شکنجه (ماده ۷)، جرم دانستن هرگونه عمل شکنجه (ماده ۱۵) و... اشاره نمود. (خویشوند، ۱۳۸۴: ۶۷) ملاحظه محتوای کنوانسیون به روشنی حاکی از این مطلب است که یکی از مهمترین اسنادعام بین‌المللی مرتبط با مقوله ی حقوق بنیادین و بشری زندانیان، همین کنوانسیون است که به طور ویژه در راستای تحقق و تثبیت حقوق خاصه ی فرد زندانی به مرحله تدوین نائل گشته است.

۵-۲- کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در بیستم نوامبر ۱۹۵۹ اعلامیه جهانی حقوق کودک را تصویب نمود. اما همواره نیاز به تصویب کنوانسیونی که به حقوق کودک قدرت اجرایی دهد، احساس می‌شد. هرچند برخی اندیشمندان معتقدند اعلام رأی موافق به اعلامیه‌ی مزبور کشور متبوع را در عداد پذیرندگان اعلامیه قرارداده و از منابع غیرمستقیم حقوق داخلی آن‌ها بشمار خواهد آمد، (عبادی، ۱۳۶۹: ۱۳۷)

بنابر برخی مواد متن پیمان‌نامه تصویبی در ۱۹۸۹ که در حقیقت تداوم بخش اعلامیه حقوق کودک به شمار آمده و مشتمل بر حداقل قواعد راجع به دادگاه خاص کودکان مصوب اجلاس پکن است، کودکان محبوس در زندان واجد زنجیره‌ای از حق‌ها گردیده‌اند: «ممنوعیت شکنجه یا سایر رفتارهای بی‌رحمانه و غیرانسانی یا مغایر شئون انسانی اطفال، ممنوعیت زندانی کردن اطفال به‌طور غیرقانونی و یا اختیاری، اتخاذ رفتاری انسانی و توأم با احترام نسبت به کودک زندانی، جدایی کودکان زندانی از سایر زندانیان بزرگسال، حق دسترسی سریع هر کودک زندانی به مشاوره حقوقی و یا سایر معاضدت‌ها، حق اعتراض به مشروعیت زندانی شدن خود» (کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک بندهای الف، ب، ج، د ماده ۳۷). حکمرانی مطلوب اقتضاء میکند که از کودکان و نوجوانان که نسل آینده جامعه محسوب میشوند مراقب و حمایت روحی و جسمی نماید. مشروعیت و مقبولیت یک نظام سیاسی از رعایت این حقوق نشأت می‌گیرد. کودکان به هر علتی که دور از خانواده و جامعه نیست، دچار مشکلات و بزه اجتماعی شوند، لازم است که قوانین و مقررات اصلاحی را بارعایت احترام و شخصیت کودک، اجرا شود و زمینه اصلاح و بازگشت به خانواده و جامعه برای آنان فراهم شود.

۶-۲- کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو



«پیمان ژنو برای بهبود وضع مجروحین و بیماران نیروهای مسلح در جنگ زمینی، کنوانسیون ژنو برای بهبود وضع مجروحین و بیماران و غریقان نیروهای مسلح در جنگ دریایی، کنوانسیون ژنو مربوط به رفتار با اسیران جنگی، کنوانسیون ژنو مربوط به حمایت از افراد غیرنظامی در دوران جنگ، جملگی مصوب کنفرانس مربوط به ایجاد کنوانسیون‌های بین‌المللی برای حمایت از قربانیان جنگ در ۱۲ اوت ۱۹۴۹ به همراه دو پروتکل الحاقی یعنی «پروتکل مربوط به حمایت از قربانیان منازعات مسلحانه بین‌المللی» و «پروتکل حمایت از قربانیان منازعات مسلحانه غیر بین‌المللی»، به عنوان منبع اصلی حقوق بشردوستانه قلمداد شده، اغلب کشورها از جمله ایران به این کنوانسیون‌ها بجز پروتکل‌های الحاقی ملحق شده‌اند. (خویشوند، ۱۳۸۴: ۷۳-۷۲) موضوعی که با اعلامیه سازمان ملل در خصوص محافظت از اشخاص در برابر ناپدید شدن‌های اجباری که مطابق آن ناپدید شدن اجباری زندانیان ناقض حق حیات یا دست کم به وجودآورنده‌ی خطر سهمگین برای آنان پنداشته شده، همپوشانی و هم‌نوایی خواهد داشت. (Rock, ۲۰۰۹: ۷۳) ماده ۱۶ کنوانسیون مزبور نیز بر رفتار برخورد یکسان با اسرای جنگی و بدون اعمال هیچ نوع تبعیضی بر مبنای نژاد، ملیت، عقیده مذهبی یا سیاسی تأکید می‌نماید. ماده ۱۴ کنوانسیون: «بر لزوم حفظ حرمت و اهلیت مدنی فرد زندانی تصریح نموده.» گفتنی است اگرچه نظارت و تضمین اجرای تعهدات دولت‌ها نسبت به کنوانسیون به عهده دولت‌های حامی^۱ سپرده شده است، اما با عنایت به مشکل بودن جلب موافقت دولت‌های درگیر در جنگ در زمینه تعیین دولت‌های حامی، غالباً این تکلیف را کمیته بین‌المللی صلیب سرخ عهده‌دار می‌گردد. (امیرارجمند، ۱۳۸۱: ۲۵۶)

۲-۷- کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت

این کنوانسیون که اولین معاهده بین‌المللی حقوق بشری سازمان ملل متحد در قرن بیست و یکم بشمار می‌رود، همچون سایر کنوانسیون‌ها ابتدا در قالب اعلامیه مجمع عمومی سازمان ملل (۹ دسامبر ۱۹۷۵) رخ نمود. سپس به تاریخ ۳۰ مارس ۲۰۰۷ در قالب الزام‌آور کنوانسیون با هدف حمایت از حقوق و عزت افراد دارای معلولیت به منصفه ظهور گذاشته شده است. و از آن‌جاکه افراد معلول نیز به دلایل گوناگون ممکن است از آزادی محروم شوند «باین حال زندانیان معلول حق دارند از حقوق بشر خود به همان اندازه با سایر زندانیان، بدون هیچ‌گونه تبعیض براساس معلولیت یا دلایل دیگر بهره‌مند شوند»، بعلاوه چون زندانیان دارای معلولیت اغلب از تبعیض نژادی، نقص‌های جسمی و یا محدودیت‌های شناختی رنج می‌برند (۱: ۲۰۲۱، Schotland) از همین رو مطابق بند ۱ ماده ۱۳ کنوانسیون فوق دولت‌های عضو باید دسترسی مؤثر به عدالت را برای افراد معلول براساس مساوی با سایر افراد، از جمله اقامت مناسب را فراهم نمایند. افراد معلول زندانی بیشتر از سایر افراد زندانی به علت نقص جسمانی ممکن است مورد ظلم قرار گیرند لذا کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشری باهدف حمایت از این افراد توجه بیشتری لحاظ داشته اند و حکومت را ملزم به رعایت حقوق آنان می‌دانند.

۴. اسناد خاص بین‌المللی

سرآغاز تلاش‌ها و ظهور و بروز اسناد مزبور به سال ۱۹۵۰ میلادی بازگشت می‌نماید؛ سالی که در آن مجمع عمومی سازمان ملل متحد، برگزاری اجلاس‌های جهانی ذیل عناوین: «پیشگیری از وقوع جرایم و تربیت و درمان مجرمین در هر پنج سال را» مصوب نمود. متعاقب آن در کنگره‌ها و کنفرانس‌های مختلف قواعد و مقررات گوناگونی در قالب اسناد بین‌المللی که به‌طور ویژه به مقوله حقوق بشر راجع به زندانیان پرداختند، تدوین گردید.

۱-۳- مجموعه قواعد حداقل رفتار با زندانیان

¹ Protecting powers



سرآغاز تدوین و مجموعه قواعد حداقل رفتار با زندانیان را بایستی در سال ۱۹۵۵ جستجو نمود، بدین گونه که: «به ابتکار سازمان ملل متحد کنگره بین‌المللی حقوق جزا و امور زندان‌ها در موضوع پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین در ژنو سوئیس تشکیل شد که وظیفه‌اش مطالعه و ارائه طریق درباره بهبود وضع محکومین و اصلاح و تربیت مجدد آن‌ها از طریق اجرای مقررات آموزشی، فنی و حرفه‌ای در زندان‌ها بود. بر این اساس کنگره مذکور با جمع‌آوری اطلاعات لازم و بحث و بررسی‌های بسیار، طرحی درباره رعایت حال زندانیان و اصلاح رژیم زندان‌ها تهیه نمود. چندی بعد طرح مذکور توسط کمیسیون دفاع اجتماعی وابسته به سازمان ملل، مجدداً مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت و بر اساس آن دستورالعمل خاصی از طرف سازمان ملل متحد تدوین و برای کشورهای عضو این سازمان ارسال گردید.» قواعد مذکور پس از تصویب، تقدیم شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل گردید. شورا نیز طی قطعنامه‌ی شماره ۶۶۳ در ۳۱ ژانویه ۱۹۵۷ مجموعه قواعد حداقلی رفتار با زندانیان را تصویب نمود. این قواعد مشتمل اند بر: «مقررات مربوط به طرز رفتار با زندانی و همچنین صلاحیت کارکنان زندان باز است که قبلاً در نخستین کنگره سازمان ملل متحد درباره جلوگیری از جرم و طرز رفتار با مجرمین، منعقد در ۳۰ اوت ۱۹۵۵ در ژنو به تصویب رسیده بود. در این قطعنامه ضمن توصیه‌هایی درباره رفتار با زندانیان، از دولت‌ها نیز دعوت شده است که مجموع قواعد مربوط به رفتار با زندانیان را با نظر مساعد مورد قبول و اجرا قرار داده و دو دسته دیگر از توصیه‌ها را تا حدی که امکان داشته باشد در اداره مؤسسات زندان و زندان‌های باز خود رعایت نمایند.» (صلاحی، ۱۳۸۲: ۲۲۳) حکمرانی مطلوب زمانی رخ می‌دهد که همه شهروندان از جمله زندانیان از حداقل حقوق خود برخوردار باشند و امید به بهبود اوضاع و بازگشت به جامعه را داشته باشند. بدون داشتن و رعایت حداقل حقوق شهروندی، مشروعیت آن حکومت و نظام سیاسی در سطح داخلی و بین‌المللی مورد سوال است.

مقررات مصرح در مجموعه قواعد حداقل رفتار با زندانیان مشتمل بر دو قسمت است: «قسمت اول ناظر بر مقررات مربوط به اداره عمومی مؤسسات اجرای مجازات و راجع به همه طبقات زندانیان صادر شده است. قسمت دوم شامل قواعدی است که فقط در مورد هر دسته از زندانیان به‌طور جداگانه قابل اجرا می‌باشد. فرایند اصلاح قواعد مزبور که از سال ۲۰۱۰ آغاز گردیده بود، در پی تحولات عمده در حقوق بشر و عدالت کیفری از سال ۱۹۵۷، به حوزه‌هایی همچون سند احترام به حیثیت ذاتی زندانیان، خدمات پزشکی و سلامت، اقدامات انضباطی و تحریم، تحقیقات مرگ‌ومیر و شکنجه در حبس، حفاظت از گروه‌های آسیب‌پذیر، دسترسی به وکیل، شکایات و بازرسی مستقل و آموزش کارمندان پرداخته که بدیهی است در حمایت از حقوق زندانیان واجد اهمیت فراوان خواهد بود. (NeLson Mandela Rules)

۲-۳- اصول سلوک کار پزشکی

سند فوق با نام کامل «اصول سلوک کار پزشکی مربوط به نقش پرسنل بهداشتی به‌خصوص پزشکان در حمایت از زندانیان و افراد بازداشتی در مقابل شکنجه و سایر رفتارها و تنبیهات ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز»، عنوان قطعنامه ی شماره ۳۷، ۱۹۴ مجمع عمومی سازمان ملل است که به تاریخ ۱۸ دسامبر ۱۹۸۲ به تصویب این مجمع رسیده است. در این سند بین‌المللی پس از یادآوری نکاتی همچون قطعنامه شماره ۳۱، ۸۵ مورخ ۱۳ دسامبر ۱۹۷۶ که خود حاوی درخواست از سازمان بهداشت جهانی مبنی بر تهیه پیش‌نویسی جهت مجموعه قواعد مربوط به اخلاق کار پزشکی درباره حمایت از افراد تحت هرگونه بازداشت یا حبس علیه شکنجه و سایر رفتارها و تنبیهات ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز است، و همچنین تأکید بر اعلامیه توکیو مصوب بیست و نهمین مجمع جهانی پزشکان مورخ اکتبر ۱۹۷۵ با اعتقاد به این‌که تحت هیچ شرایطی نباید فردی به‌خاطر فعالیت‌های پزشکی مطابق با اخلاق کار پزشکی صرف‌نظر از فردی که منتفع می‌شود، تنبیه گردد یا مجبور به انجام



اعمال مغایر با اخلاق کار پزشکی شود، و درعین حال نقض اخلاق پزشکی، باید با اهمیت تلقی شود، با هدف ایجاد استانداردهای بیشتری در این زمینه از کلیه دولت‌ها و سازمان‌های ذی‌ربط بین دولتی به‌ویژه سازمان بهداشت جهانی می‌خواهد تا اصول اخلاقی کار پزشکی را همراه با قطعنامه حاضر در بین انجمن‌های پزشکی و پیراپزشکی و مؤسسات حبس و بازداشت توزیع و اطلاع‌رسانی نماید (امیر ارجمند، ۱۳۸۱: ۲۷۵). اخلاق پزشکی حکم میکند که به بیمار در هر شرایطی با رعایت اخلاق و انسانیت رفتار شود. چه فرد مجرد و متهم باشد چه بالاترین مقام معنوی و سیاسی. اتفاقاً افراد مجرم زندانی افرادی هستند که علاوه بر مشکل جسمی، مشکلات روحی بیشتری دارند و به توجه و مراقب بیشتری نیازمند هستند.

۳-۳- تدابیر احتیاطی برای تضمین حمایت از حقوق افراد مواجه با مجازات مرگ

در این جا به ذکر مطالبی از این تدابیر که مرتبط با حقوق بشری و بنیادین فرد زندانی می‌باشد، بسنده می‌کنیم. بنابر بند ششم تدابیر احتیاطی، هر فرد محکوم به مرگ باید حق درخواست تجدیدنظر و دادگاهی باصلاحیت بالاتر را داشته باشد و تدابیری صورت گیرد تا اطمینان حاصل شود که چنین تجدیدنظری اجباری باشد. بند هفتم از این تدابیر ضمن تصریح بر این که هر فرد محکوم به مرگ باید حق درخواست و جستجوی عفو و تخفیف مجازات را داشته باشد، عفو و تخفیف مجازات در همه موارد مجازات اعدام را قابل اعطا تلقی می‌نماید. و سرانجام بندهای هشتم و نهم تدابیر احتیاطی اشعار می‌دارد: «مجازات اعدام مادام که مراحل تجدیدنظر یا روش دیگری در خصوص عفو یا تخفیف مجازات در جریان است، اجرا نخواهد شد».

۳-۴- حداقل قواعد استاندارد برای اقدامات غیربازداشتی (قواعد توکیو ۱۹۹۰)

مقررات موسوم به قواعد توکیو مجموعه‌ای از اصول اساسی مربوط به ترویج استفاده از تدابیر غیر بازداشتی و نیز حداقل تضمین‌های لازم برای افرادی است که از روش‌های جانشین زندان بهره‌مند می‌گردند. (ماده ۱ قواعد توکیو) این گونه مقرر می‌دارد که: «مقررات مربوط در قواعد حاضر را می‌توان برای کلیه افراد تحت تعقیب، محاکمه و نیز افرادی که در حال گذراندن محکومیت خود هستند و در تمامی مراحل مدیریت جزایی، بکار برد» (قاعده ۱-۱)، «انتخاب اقدامات غیربازداشتی باید براساس ارزیابی مبنی بر معیارهای شناخته‌شده در خصوص ماهیت و شدت جرم و شخصیت و سوابق مجرم، اهداف محکومیت و حقوق قربانیان باشد» (قاعده ۲-۳)، «تعیین تکلیف در مراحل پس از محکومیت می‌تواند شامل ترتیباتی همچون مرخصی یا اعزام به مراکز انتقالی، آزادی برای کار یا آموزش، انواع آزادی مشروط و عفو» باشد. (قاعده ۲-۹)، «هدف از نظارت و مراقبت کاهش امکان تکرار جرم و کمک به ادغام مجرم در جامعه به نحوی است که کمترین احتمال بازگشت و تکرار جرم به وجود آید» (قاعده ۱-۱۰) و «نحوه رفتار با مجرمین بایستی توسط افراد متخصص که دارای آموزش و تجربه خاص باشند، تنظیم گردد» (قاعده ۲-۱۳).

۳-۵- اصول اساسی رفتار با زندانیان

اصول اساسی حاکم بر حقوق بشر راجع به فرد زندانی را بایستی در دو گونه اصول یعنی: «اصول عمومی و اصول خاص رفتار با زندانیان جست‌وجو و کنکاش کرد. اصول عمومی که پاره‌ای از آن‌ها مثل اصل برائت ریشه در میراث مشترک حقوقی همه ملل متمدن جهان دارد و در یکی دو قرن اخیر به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم مورد اقبال و عنایت ویژه حقوقدانان و قانونگذاران در حقوق داخلی کشورها و نیز موضوع اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌ها در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی قرار گرفته است»، عبارت‌اند از: «اصل برائت، اصل قانونی بودن جرم و مجازات، اصل مصونیت دولت، اصول مربوط به بازداشت افراد و حقوق بشر» (گودرزی و الوندی، ۱۳۸۲: ۴۴) برخی از مهم‌ترین بندهای این اصول را از نظر می‌گذاریم:

بند ۱: «سلوک با کلیه زندانیان همراه با احترام مقتضی به حیثیت ذاتی و ارزش آن‌ها و به‌عنوان افراد بشر خواهد بود»



بند چهارم: «مسئولیت زندان‌ها برای تولید امور زندانیان و حمایت از جامعه در مقابل جرایم باید با رعایت اهداف اجتماعی دیگر هر دولت و مسئولیت‌های اساسی آن برای ترویج رفاه و توسعه همه افراد جامعه به اجرا گذاشته شود.»

بند نهم: «زندان‌ها باید به خدمات بهداشتی که در مملکت وجود دارد، بدون تبعیض به‌خاطر وضعیت حقوقی خود، دسترسی داشته باشند.»

رعایت این اصول علاوه بر اینکه جزء حقوق بنیادین و بشری هر زندانی است بلکه از حقوق شهروندی هم محسوب می‌شود. نظام سیاسی به عنوان مجری قانون موظف به رعایت عدالت و عدم تبعیض و حقوق حقه همه شهروندان از جمله افراد آسیب پذیر است.

۶-۳- قواعد بانکوک

این قواعد که به‌عنوان مکمل اسناد قبلی مرتبط با حقوق بنیادین فرد زندانی به‌ویژه قواعد حداقل استاندارد رفتار با زندانیان و قواعد توکیو در سال ۲۰۱۰ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده و مشتمل بر ۴ فصل و ۷۰ ماده می‌باشد، بر حقوق گروهی از جامعه زندانیان یعنی زنان زندانی متمرکز گردیده است؛ بدن گونه که زندانیان زن را مستحق رفتار ترجیحی دانسته و بر لزوم حفظ سلامتی با در نظر گرفتن شرایط خاص آن‌ها، اقدامات غیر حبس در نظر گرفته است؛ زیرا زندانیان زن را گروه آسیب‌پذیر جامعه دانسته، که اغلب در معرض محرومیت‌های احساسی و تجربیات خشونت‌آمیز هستند و نیاز به حمایت ویژه دارند. برخی مواد قوانین مزبور، ناظر بر استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس بوده و بر این نکته که زنان متخلف بدون توجه به سابقه و روابط خانوادگی خود، از خانواده و اجتماع خود جدا نمی‌شوند و روش‌های جایگزین برای زانی که مرتکب جرم می‌شوند تا جایی که ممکن است باید اجرا شود، اصرار می‌ورزد. (ماده ۵۸ قواعد بانکوک)

۴. نتیجه گیری

حکمرانی مطلوب شکل آرمانی حکمرانی است که در آن اداره و مدیریت منابع عمومی و امور عمومی و رعایت حقوق بشر به ویژه حقوق بنیادین و بشری زندانی را مبتنی بر قانون و اخلاق انجام می‌دهد. رعایت ابعاد حقوق بشر اعم از حقوق مدنی، حقوق فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و حقوق اجتماعی از شاخص‌های اصلی حکمرانی مطلوب است. لازمه اخلاقی حکمرانی مطلوب رعایت منزلت انسانی، عدالت، مساوات، برادری و عدم تبعیض است. رعایت این اصول به ویژه در رابطه با حقوق بنیادین و بشری زندانی موجب افزایش مشروعیت حکومت‌ها در سطح داخلی و بین‌المللی خواهد شد.

حقوق بنیادین فرد زندانی همان حقوق بنیادین بشر به استثنای حق آزادی بوده و زندان بجز آزادی هیچیک از حقوق بنیادین وی را تحت‌الشعاع خود قرار نخواهد داد. فقدان آزادی نتیجه‌ی اجتناب‌ناپذیر حبس است، اما در عمل به‌همین صرف محدودیت ختم نشده، به‌تدریج بسیاری از حقوق زندانیان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین علیرغم اذعان به لزوم کیفر زندان به‌عنوان ضرورتی اجتماعی که در جای خود برای جامعه می‌تواند بسیار اثرگذار و کارگشا ایفای نقش نماید، اما عنایت خاص به شرایط ویژه این ضرورت اجتماعی، بایستی همسان رعایت حقوق بشر، مورد عنایت واقع شود؛ چراکه اجرای کیفر زندان فارغ از رعایت حقوق بشر، خود فاجعه است، به‌ویژه اگر مجازات زندان از برنامه‌های اصلاحی جهت بازگشت موفقیت‌آمیز زندانیان به جامعه بی‌بهره باشد. تفاوت عمده قوانین بین‌المللی با قوانین داخلی جمهوری اسلامی ایران در مورد حقوق زندانیان در برنامه‌های اصلاحی و حمایت‌ها برای قطع ارتباط زندانی با حیات اجتماعی است. پیوستن جمهوری اسلامی ایران به بسیاری از پیمان‌نامه‌ها و معاهدات بین‌المللی نشان دهنده اهتمام به رعایت حقوق زندانیان است.



انجمن مطالبات
سیاسی حوزه



فصلنامه علمی - پژوهشی
انجمن مطالبات سیاسی حوزه

اداره کردن امور جامعه براساس دموکراسی، نهاد سازی موثر در بخش عمومی و خصوصی، مدیریت صحیح اقتصاد، ایجاد جامعه مدنی قوی، رجحان حکومت قانون و نظام حقوقی بی طرف و موثر و غیره که از اهداف حکومت مطلوب است زمانی میسر میشود که حقوق بشر رعایت شود و زندانیان به عنوان بخشی آسیب دیده و آسیب پذیر جامعه نیز دارای حقوق بنیادین و حقوق بشری هستند که بیشتر از سایر اقشار جامعه نیاز به برنامه هایی اصلاحی و حمایتی برای بازگشت به جامعه دارند.



منابع

- اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸
- اصول بنیادین اساسی رفتار با زندانیان ۱۹۹۰
- اصول سلوک کار پزشکی ۱۹۸۲
- تدابیر احتیاطی برای تضمین حمایت از حقوق افراد مواجه با مجازات مرگ ۱۹۸۴
- قواعد حداقل استاندارد سازمان ملل برای مدیریت دادگستری جهت نوجوانان (قواعد پکن) ۱۹۸۵
- قواعد حداقل استاندارد برای اقدامات غیر بازداشت (قواعد توکیو) ۱۹۹۰
- قواعد سازمان ملل برای حمایت از نوجوانانی که آزادی آنها سلب شده است ۱۹۹۰
- کنوانسیون منع شکنجه و رفتار یا مجازات خشن، غیرانسانی یا تحقیرکننده ۱۹۸۴
- کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹
- کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض نژادی ۱۹۸۵
- کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹
- ۱- سازمان ملل متحد (UNODC). ۲۰۱۵. (قواعد حداقل استاندارد سازمان ملل متحد برای رفتار با زندانیان (قواعد نلسون ماندلا)). نسخه رسمی ترجمه شده توسط ستاد حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران/مراجع حقوقی.
- ۲- امیرارجمند، اردشیر (۱۳۸۱)، مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر، چاپ اول، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران
- ۳- آلتمن آندرو (۱۳۸۵)، درآمدی بر فلسفه حقوق، برگردان بهروز جندقی، چاپ اول، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، تهران
- ۴- آشوری، محمد (۱۳۸۷)، آیین دادرسی کیفری جلد اول، چاپ سیزدهم، نشر سمت، تهران
- ۵- حیدریان دولت آبادی، محمدجواد، توسلی نائینی، منوچهر، ۱۳۹۷، مطالعه مولفه های حکمرانی خوب از منظر نهادهای بین‌المللی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، ش ۳۸
- ۶- دانش، تاج زمان (۱۳۷۶)، حقوق زندانیان و علم زندان‌ها، چاپ سوم، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران
- ۷- خویشوند، علی (۱۳۹۹)، بررسی تطبیقی معیارهای حقوق بشر درخصوص زندانیان در نظام حقوقی ایران و حقوق بین‌الملل، ماهنامه بین‌المللی پژوهش ملل، دوره پنجم، شماره ۵۹
- ۸- خویشوند، علی (۱۳۸۴)، بررسی معیارهای حقوق بشر راجع به زندانیان در نظام حقوقی ایران و حقوق بین‌الملل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک
- ۹- شاکری، حمید ۱۴۰۳، تحلیلی بر مولفه های حکمرانی خوب از منظر نهادهای بین‌المللی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مطالعات تطبیقی حقوق کشورهای اسلامی، دوره ۲، شماره ۱.
- ۱۰- ذاکریان، مهدی (۱۳۸۳)، مفاهیم کلیدی حقوق بشر بین‌المللی، نشر میزان، تهران
- ۱۱- سردارنیا، خلیل اله، ۱۳۹۱، شاخص های حکمرانی خوب شهری در چارچوب نظریه سیستمی، مجموعه مقالات علمی حکمروایی خوب شهری، ج ۱، تهران: تیسرا



- ۱۲- صلاحی، جاوید (۱۳۸۲)، کیفرشناسی، چاپ اول، انتشارات آرش، تهران
- ۱۳- عبادی، شیرین (۱۳۸۳)، تاریخچه و اسناد حقوق بشر در ایران، چاپ اول، انتشارات روشن فکران و مطالعات زنان، تهران
- ۱۴- عبادی، شیرین (۱۳۶۹)، اعلامیه جهانی حقوق کودک، جلد اول، چاپ دوم، انتشارات مطالعات زنان و روشنفکران، تهران
- ۱۵- قاری سیدفاطمی، سید محمد (۱۳۸۴)، حقوق بشر در جهان معاصر، چاپ اول، نشر دانشگاه شهید بهشتی، تهران
- ۱۶- گودرزی بروجردی، محمدرضا و الوندی، مظفر (۱۳۸۲)، حقوق بشر در نظام کیفری و زندان‌ها، نشر نی، تهران
- ۱۷- میدری، احمد، ۱۳۸۵، مقدمه‌ای بر نظریه حکمرانی مطلوب، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی شماره ۲۲.
- ۱۸- مهرپور، حسین (۱۳۸۱)، نظام بین‌المللی حقوق بشر، انتشارات مؤسسه اطلاعات، تهران
- ۱۹- رستمی، ولی؛ و پروین، خیرالله (۱۳۹۰)، (نظارت بر نهادهای اداری و اجرایی در پرتو اصول حکمرانی مطلوب . فصلنامه حقوق (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)، ۴۱(۲)، ۲۳۴-۲۱۵.
- ۲۰- قاری سیدفاطمی، سید محمد (۱۳۸۸)، (حقوق بشر در جهان معاصر: درآمدی بر مباحث نظری، مفاهیم و کارکردها (دفتر دوم: تحلیل و نقد تحلیلی حقوق و آزادی‌های بنیادین). تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش
- ۲۱- آقای جنت‌مکان، حسین (۱۳۹۱). حقوق متهم و بزه‌دیده در اسناد بین‌المللی و حقوق کیفری ایران. اهواز: انتشارات دانشگاه شهید چمران اهواز.

20_Body of principles for the protection of All persons under any form of Detention or Imprisonment 9 December 1988.

21_Convention on the rights of persons with Disabilities (CRPD).

22_Gary,Rock,Prisoners Rights Handbook, first edition,2009.

24_Georg, Partmontm,Human Rights and prisons,United Nations New York and Geneva 2005.

25_Human Rights in the Administration of Justice 22 December 2003.

26_International covenant on civil and political Rights,1966.

27_ International covenant on Economic,social And cultural Rights,1966.

28_ Nelson Rolihlahla Mandela,2015.

29_ Piet Hein van kempen, positive obligations to ensure the Human rights of prisinersm,2007.

30_ Popa,E, the Rule of psychologist in the penitentiary Environmental to the Recovery conditions and social Integrations of the prisoners Journal Trends in the psychology2019,1(1),1_12.

31_ Schotland,S.Let them go! compassionate Release for disabled prisoners with chronic health conditions during the covid 19 public health emergency. disability studies Quarterly,2021 ,41(3),1_9.

32_ The United nations standar minimum Rules for the treatment of prisoners(SMR).

33_The United nations standard minimum Rules for Non_costodial measures(The Tokyo Rules)14 December 1990.

34_ The United nations Rules for the treatment of women prisoners And Non_costodial measures for Women Offenders(The Bangkok Rules)21 December 2010.

The Universal declaration of human rights,1948.